



# The Relationship Between Parental Emotional Divorce And Factors Of Identity Crisis, Emotional Resilience And Social Adjustment In Adolescents

Negin Golrokh <sup>a</sup>, Reyhane Sheykhan <sup>b</sup>, Marziyeh Sajjadi <sup>c</sup>

<sup>a</sup> P .h.D Student Department of Psychology, Humanistic Faculty, Islamic Azad University, Arak, Iran

<sup>b</sup> Assistant Professor, Faculty of humanity, Department of psychology, Islamic Azad University, Arak, Iran

<sup>c</sup> A.M. Student Department of Psychology, Humanistic Faculty, Islamic Azad University, Arak, Iran

## Original Article

Use your device to scan  
and read the article online



## KEYWORDS

**Emotional Divorce of parents**  
**Identity Crisis**  
**Emotional resilience**  
**Social adaptation**

**Received:** 16 April 2024

**Review:** 16 April 2024

**Accepted:** 2 Jan 2024

## ABSTRACT

The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between parents' emotional divorce on the one hand and identity crisis, emotional resilience and social adjustment in adolescents on the other. This research was a descriptive study. The statistical population of this research included all the children whose parents' marital relations led to emotional divorce. Purposeful sampling was used by referring to counseling centers and Cochran's formula was used to calculate the sample size. The measurement instruments included Emotional Divorce Questionnaire, Identity Crisis Questionnaire by Ahmadi (2016), and Social-Emotional Assets and Resilience Scale by Merl et al (2011). In order to analyze the data, descriptive and inferential statistical methods were used (using the structural equation modeling), which was carried out by SPSS. The results showed there is a significant relationship between emotional divorce in parents and identity crisis and emotional resilience of adolescents; however, no relationship was observed between emotional divorce and social adjustment of teenagers. These results showed that parents' emotional divorce can be a risk factor for the high-stress period of adolescence.

\* Negin Golrokh. Tel.: +989100516481

E-mail address: Shahgolrokh@gmail.com





## رابطه طلاق عاطفی والدین با بحران هویت، تاب‌آوری هیجانی و سازگاری اجتماعی نوجوانان

نگین گلرخ<sup>الف</sup>، ریحانه شیخان<sup>ب\*</sup>، مرضیه سجادی<sup>پ</sup>

<sup>الف</sup> دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران shahgolrokh@gmail.com

<sup>ب</sup> استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران reyhane.sheykhan@gmail.com

<sup>پ</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران reyhagolrokh@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه طلاق عاطفی والدین با بحران هویت، تاب‌آوری هیجانی و سازگاری اجتماعی نوجوانان انجام شد. این پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر روش توصیفی پیمایشی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه فرزندان بودند که روابط زناشویی والدین آنها منجر به طلاق عاطفی شده و این افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند از طریق مراجعه به مراکز مشاوره و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه طلاق عاطفی، پرسشنامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶)، توانمندی اجتماعی-هیجانی و تاب‌آوری مرل و همکاران (۲۰۱۱)، ناسازگاری اجتماعی یا شویرینگ و دکتر ماهیش بهارگاو (۱۹۹۸)، بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (استفاده از روش معادلات ساختاری) بهره گرفته شده است که به کمک نرم افزار SPSS انجام شد و نتایج بدست آمده نشان داد که طلاق عاطفی والدین با بحران هویت و تاب‌آوری هیجانی نوجوانان رابطه معناداری دارد؛ ولی بین طلاق عاطفی و سازگاری اجتماعی نوجوانان، رابطه‌ای مشاهده نشد. این نتایج نشان داد که طلاق عاطفی والدین می‌تواند یک عامل خطر برای دوران پراسترس نوجوانی باشد.</p>	<p>طلاق عاطفی والدین بحران هویت تاب‌آوری هیجانی سازگاری اجتماعی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳</p>

## ۱- مقدمه

خانواده کوچک‌ترین و مهمترین واحد اجتماعی است که نقش مهمی در رشد و شکوفایی استعدادها، تکوین شخصیت، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی اعضای آن دارد (ماسریک و کانگر، ۲۰۱۷). هم‌چنان که بیشتر روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان به کارکرد خانواده و اهمیت سلامت آن در بهداشت روانی و بهروزی جامعه تأکید داشته‌اند (باستیس و همکاران، ۲۰۱۸) اثرهای کارکرد خانواده بر رفتارها، باورها و احساس‌های اعضای خود باثبات است (خدادادی، کلائی و گوهری پور، ۱۳۹۹). نحوه نگرش‌ها، بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده درسایه کیفیت روابط درون خانواده شکل می‌گیرد که پایه و اساس آن رابطه زن و شوهری است (افروز، ۱۳۸۹).

اگرچه بیشتر زوجین با قصد داشتن زندگی بادوام پا به عرصه ازدواج می‌گذارند، اهداف فردی، رابطه‌ای، علایق و رویاهای آنها می‌تواند به طرز چشمگیری تغییر کند و منجر به انحلال رابطه شود که بیشتر به آن طلاق گفته می‌شود (راپر و همکاران، ۲۰۲۰). البته ناکامی همسران در زندگی زناشویی تنها در آمار طلاق رسمی منعکس نمی‌شود. طلاق به دو دسته تقسیم می‌شود: طلاق آشکار یا قانونی که در آن زوجین به‌طور رسمی از یکدیگر جدا می‌شوند و طلاق پنهان یا عاطفی که زوجین در آن بنا به ضرورت و اجبار، باهم زندگی می‌کنند. به این گونه طلاق، طلاق خاموش هم گفته می‌شود و تعدادی از صاحب‌نظران آن را اولین مرحله در فرآیند طلاق قانونی دانسته‌اند (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین به‌خاطر ثبت نشدن آن، آمار دقیقی از آن در کشور وجود ندارد؛ گرچه در برخی از متون میزان آن دو برابر طلاق قانونی برآورد شده است. طلاق عاطفی از دو واژه عاطفی و طلاق به‌معنای لفظی رها شدن و جدایی ترکیب شده است (بهره‌گیر، ۱۳۹۸).

طلاق عاطفی بیانگر رابطه‌ای است که در آن زن و شوهر به‌جای حمایت از همسر به‌دنبال یافتن دلیل برای متهم کردن یک‌دیگر به کوتاهی، ناکام کردن و نابودی عزت‌نفس یک‌دیگر هستند (سیلوریا، ۲۰۱۶) و چه‌بسا شاید مهم‌ترین نوع طلاق باشد؛ زیرا نشان‌دهنده اختلال در رابطه زن و شوهری است که فاقد عشق و علاقه به یکدیگرند. این نوع طلاق زمانی شروع می‌شود که پیوند و وابستگی عاطفی گسسته شده است و زوج‌ها من‌گویی را به‌ما بودن ترجیح می‌دهند (بهره‌گیر، ۱۳۹۸). جاذبه و اعتمادشان را به یک‌دیگر از دست می‌دهند (لعل‌زاده‌کندکلی و همکاران، ۱۳۹۴)، سردی روابط احساسی و عاطفی بر تمام ابعاد، اعم از رابطه جسمی، روحی و کلامی اثر می‌گذارد (غلام‌رضایی، ۱۳۹۷) در این زندگی‌های خاموش کم‌شدن بده‌بستان‌های عاطفی و سردی روابط به حدی است که زوجین احساس‌هایی چون ناامیدی و نارضایتی را تجربه می‌کنند (دی جانگ گیرولد و همکاران، ۲۰۰۹). این نوع از ناهنجاری در نظام خانواده به جدایی مکانی زوجین منجر نمی‌شود؛ چون بنابه دلایل و ملاحظه‌های فردی و اجتماعی، زن و شوهر همچنان در یک محیط و در زیر یک سقف به اجبار درکنار هم به زندگی می‌کنند؛ اما خلاء عاطفی موجود باعث احساس انزوا در زوجین می‌شود؛ زیرا بین زندگی با همسر و تنها زندگی کردن تفاوت آن‌چنانی وجود ندارد (صفایی‌راد و وارسته‌فر، ۱۳۹۰).

در خانواده‌های دچار طلاق عاطفی تنها ساختار بیرونی خانواده‌ای حفظ می‌شود که از درون تهی است. فرزندان خانواده نیز متحمل آسیب‌هایی می‌شوند. درواقع، دامنه اثرهای طلاق بر فرزندان به حدی است که فرزندان با تجربه طلاق، والدین را «قربانیان بی‌وکیل» می‌نامند (استوکبک، ۲۰۱۹). طبق نتایج پژوهش‌های متعدد، طلاق عاطفی خطرناک‌تر و آسیب‌زننده‌تر از طلاق رسمی است. به عبارتی، آثار و عوارض منفی جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی ناسازگاری زوجین دچار طلاق عاطفی بیشتر از خانواده‌هایی است که در آنها زوجین به‌طور رسمی از یکدیگر جدا شده‌اند (دهقانی‌تفتی، محمدی و حقیقتیان، ۱۳۹۸). محققان بیشتر به‌دنبال اثرهای طلاق رسمی بودند و علل و پیامدهای آن را بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه، نتایج به‌دست‌آمده از واکاوی

مشکلات روانی-تربیتی فرزندان طلاق رسمی حاکی از آن بود که مشارکت‌کنندگان مشکلاتی از قبیل پرخاشگری، احساس

$$\sigma = \frac{\max(xi) - \min(xi)}{6}$$

$$\sigma = \frac{\max(xi) - \min(xi)}{6} \rightarrow \sigma = \frac{5 - 1}{6} = 0.66$$

تنهایی، استرس و اضطراب، حس حسادت، وسواس،  
آشفته‌گی فکری، تجربه تروما روانی، ناکامی، خودکشی،  
احساس گناه، افسردگی، بی‌توجهی، ضعف درسی، افت

تحصیلی، نابهنجاری‌های رفتاری، محیط نامناسب، و دغدغه مالی را تجربه کرده‌اند (شیخله، ۱۴۰۰)، با این حال، اثر مستقیم این جنس از تعامل‌های منفی عاطفی بر روی کودکان به صورت سبک‌های فرزندپروری غلط، ارتباط‌های نامتعارف و مسموم، تعارض‌های درون‌فردی و عملکرد ناکارآمد خانواده نمایان می‌شود (یعقوبی و همکاران، ۲۰۱۹) و می‌تواند بر سلامت عمومی (مددی طائمه، آقاجانی و صلاحیان، ۱۳۹۸) و سلامت روان (میکائیلی جباری قوزلوجه، ۱۳۹۹) و حتی روند هویت‌یابی (کازمی خوبان و چابکی، ۱۳۹۶) فرزند تاثیر گذارد؛ لذا در پژوهش حاضر به بررسی «رابطه طلاق عاطفی والدین با بحران هویت، تاب‌آوری هیجانی و سازگاری اجتماعی نوجوانان»، پرداخته شد.

## ۲- روش

پژوهش حاضر بنیادی از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه فرزندان نوجوانی بودند که روابط زناشویی والدین آنها منجر به طلاق عاطفی شده بود. با توجه به این که دسترسی به تمامی اعضای جامعه امری زمانبر و تقریباً غیرممکن بود؛ لذا به سبب سهولت کار محقق از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده کرد که با توجه به محدود بودن (خیلی بزرگ نیست) ولی نامعلوم بودن واریانس و تعداد اعضای جامعه از فرمول زیر برای بدست آوردن حجم نمونه استفاده شد:

$$Z_{\alpha/2} = 1.96, \varepsilon = 0.01, \sigma = 0.66 \Rightarrow n = 170$$

در نهایت تعداد ۱۷۰ نفر (۱۲۹ نفر پسر و ۴۱ نفر دختر) انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه طلاق عاطفی؛ پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس ۲۴ سوال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. بیش از ۷ بله به معنی این است که فرد نامزد خوبی برای طلاق عاطفی است. صلابانی و اصغری ابراهیم‌آباد (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کردند.

**پرسشنامه بحران هویت:** پرسشنامه بحران هویت دارای ۴۰ سوال بوده که توسط احمدی در سال ۱۳۷۶ طراحی و ساخته شده است و هدف از این پرسشنامه بررسی میزان ابتلا نوجوانان به بحران هویت است و دارای ۱۰ بعد مجزا (اشکال در اهداف بلند مدت، تردید در انتخاب شغل، نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت، نامتناسب بودن رفتار جنسی، اشکال در شناخت و معرفی مذهبی، عدم توجه به ارزشهای اخلاقی، رعایت نکردن تعهد گروهی، داشتن دید منفی نسبت به خود، نداشتن روحیه تلاش و ابتکار و اختلال در تنظیم وقت) می‌باشد. در پرسشنامه پاسخ آزمودنی‌ها بر اساس مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ نمره گذاری می‌شود. حداکثر نمره در این پرسشنامه ۹۰ و حداقل آن ۰ می‌باشد. هر قدر نمره آزمودنی به سوی ۹۰ گرایش یابد، می‌توان اذعان داشت که در کسب هویت، بحران بیشتری را دارا می‌باشد و بر عکس، هر قدر نمره وی به سوی صفر گرایش پیدا کند، معرف توانمندی بیشتر وی در اکتساب هویتش است. به منظور سنجش اعتبار این مقیاس، می‌توان از روش‌های مختلفی (مانند محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و روش دو نیمه کردن) بهره برد. با توجه به میزان ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده (ضریب ۰/۸۶) می‌توان نتیجه گرفت که انسجام بین سوالات این پرسش‌نامه در حد قابل پذیرش است.

پرسشنامه توانمندی اجتماعی-هیجانی و تاب آوری (SEARS): این پرسشنامه توسط مرل و همکاران (۲۰۱۱) طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۵۲ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف چهار درجه‌ای لیکرت می‌باشد، این مقیاس ابعاد خودتنظیمی هیجانی، توانمندی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، و همدلی را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره‌گذاری پرسشنامه: نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف چهار درجه‌ای لیکرت می‌باشد. حسینی یزدی و مشهدی (۱۳۹۲) برای مطالعه تاب‌آوری کودکان ۸ تا ۱۳ ساله طلاق، به منظور تعیین اعتبار و روایی این پرسشنامه آن را بر روی گروه واحد در دو زمان مختلف اجرا کردند و روایی و اعتبار آن را به دست آوردند (ضریب اعتبار درونی برای همه زیر مقیاس‌ها، ۰/۷۸).

**پرسشنامه ناسازگاری اجتماعی:** از دکتر یاشویرینگ و دکتر ماهیش بهارگاو جمع‌آوری شده است. این پرسشنامه شامل ۱۰ سؤال است معیار ناسازگاری اجتماعی را می‌سنجد. سوالات این مقیاس خواستار اطلاعات برای هر یک از پنج‌گزینه‌ای است که در زیر می‌آید: خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالاً و هرگز. سوالات طوری بیان شده که اگر جواب مثبت مثلاً خیلی زیاد باشد نمره ۵ تعلق می‌گیرد، برای زیاد ۴، برای نامشخص ۳، برای احتمالاً ۲، و پاسخ منفی هرگز نمره ۱ می‌گیرد. بنابراین هر چه نمره بالاتر باشد درجه بالاتری از عدم بلوغ عاطفی وجود دارد و بالعکس. پایایی این مقیاس توسط روش آزمون-آزمون مجدد و روش همسانی درونی تعیین شد.

### ۳- روش اجرا

پس از اخذ معرفی نامه از گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، به بهزیستی مراجعه شد. پروپوزال و پرسشنامه‌ها بررسی گردید و مجوز لازم صادر شد. سپس به چهار مرکز مشاوره و روانشناسی مراجعه گردید. با همکاری روانشناس بالینی/زوج درمانگر و پرسشنامه طلاق عاطفی زوجین مورد نظر شناسایی شدند. فرزندان نوجوان (۱۶ تا ۱۸ سال) به پرسشنامه‌های مذکور پاسخ دادند.

### ۴- یافته‌ها

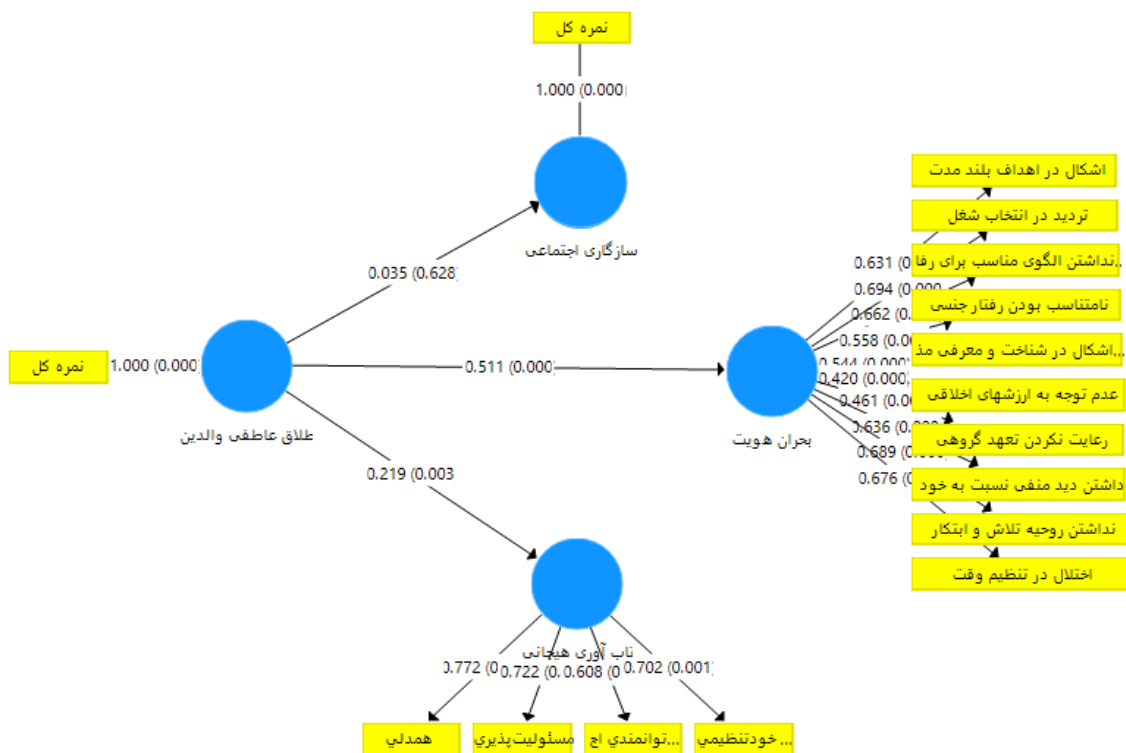
آزمون‌های آمار استنباطی مورد استفاده، کاربرد هر یک از این آزمون‌ها و بسته نرم‌افزاری مورد استفاده برای هر یک از آزمون‌های آماری مورد استفاده در جدول ۱ خلاصه شده است. در ادامه هر یک از این آزمون‌ها و تحلیل مربوط به هر یک تشریح می‌گردد.

جدول ۱. آزمون‌های آماری مورد استفاده و کاربرد هر یک آن‌ها

ردیف	آزمون‌های مورد استفاده	کاربرد	نرم‌افزار
۱	ضریب آلفای کرونباخ	بررسی پایایی پرسشنامه	SPSS
۲	تحلیل عاملی تأییدی (CFA)	بررسی روایی پرسشنامه	SmartPLS
۳	آزمون همبستگی	بررسی معنی‌داری روابط میان متغیرها	SmartPLS
۴	مدل‌سازی	آزمون فرضیات تحقیق	SmartPLS

تحلیل مدل اندازه‌گیری با تحلیل عاملی تأییدی (سنجش روایی پرسشنامه)

به منظور تحلیل ساختار درونی یا به عبارتی روایی پرسشنامه و کشف عوامل تشکیل دهنده هر متغیر آشکار، از ابزار تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده می‌شود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی آیتم‌ها یا سؤالات پرسشنامه تحقیق در نمودار ۱ خلاصه شده‌اند. بارهای عاملی مربوط به هر یک از سازه‌ها یا سؤالات تحقیق در سطح اطمینان ۹۹ درصد و ۹۵ درصد معنادار بوده‌اند؛ بنابراین سازه‌های مورد مطالعه از جهت روایی دارای اعتبار بالایی هستند. متغیرهای تحقیق در مدل‌سازی معادلات ساختاری به دو دسته پنهان و آشکار تبدیل می‌شوند. متغیرهای آشکار یا مشاهده شده به گونه‌ای مستقیم به وسیله پژوهشگر اندازه‌گیری می‌شود، در حالی که متغیرهای پنهان یا مشاهده نشده به گونه‌ای مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شوند، بلکه بر اساس روابط یا همبستگی‌های بین متغیرهای اندازه‌گیری، استنباط می‌شوند. به عبارت دیگر، متغیرهای پنهان همان متغیرهای اصلی تحقیق و متغیرهای آشکار نیز همان سؤالات پرسشنامه هستند. متغیرهای پنهان به نوبه خود به دو نوع متغیرهای درون‌زا یا جریان‌گیرنده و متغیرهای برون‌زا یا جریان‌دهنده تقسیم می‌شوند. هر متغیر در سیستم مدل معادلات ساختاری می‌تواند هم به عنوان یک متغیر درون‌زا و هم یک متغیر برون‌زا در نظر گرفته شود. متغیر درون‌زا متغیری است که از جانب سایر متغیرهای موجود در مدل تأثیر می‌پذیرد. در مقابل، متغیر برون‌زا متغیری است که هیچ‌گونه تأثیری از سایر متغیرهای موجود در مدل دریافت نمی‌کند، بلکه خود تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، به کمک بار عاملی می‌توان گفت کدام شاخص یا گویه در اندازه‌گیری متغیر پنهان خود سهم بیشتری دارد. هر گویه یا سؤال پرسشنامه که بار عاملی بالاتری داشته باشد، قدرت یا سهم بیشتری در سنجش متغیر پنهان مربوط به خود دارد.

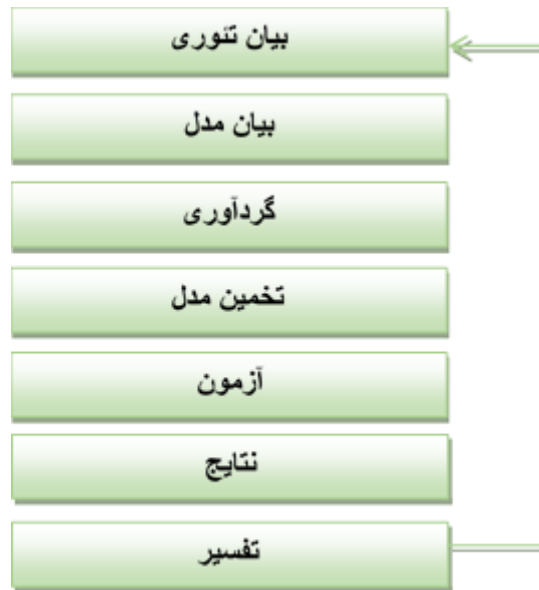


نمودار ۱. بارهای عاملی سازه‌های تحقیق (تحلیل عاملی تأییدی)

### تحلیل داده‌ها به وسیله مدل‌یابی معادلات ساختاری

فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای مدل‌یابی معادلات ساختاری شامل یک سری گام‌هاست که می‌توان این گام‌ها را در نمودار زیر خلاصه کرد. در فصول قبل برخی از مراحل این مدل از قبیل بیان تئوری و مدل تشریح گردید. گردآوری داده‌ها نیز

به وسیله پرسشنامه صورت گرفته است. در ادامه برخی از مهم ترین مراحل تشریح می گردد و سپس تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پیمایش پرداخته می شود.



شکل ۱. گام های اساسی تحلیل

**الف- بیان مدل:** این مرحله در واقع همان بیان رسمی مدل است و یکی از مهم ترین مراحل موجود در مدل سازی معادلات ساختاری است. در واقع هیچ گونه تحلیلی صورت نمی گیرد، مگر اینکه اول محقق مدل خود که درباره روابط میان متغیرهاست را بیان کند. این مرحله شامل فرمول بندی (تنظیم) یک عبارت درباره یک مجموعه از پارامترهاست. این پارامترها در زمینه مدل سازی معادلات ساختاری، ماهیت روابط میان متغیرها را نشان می دهد. در مدل سازی معادلات ساختاری، اندازه و علامت این پارامترها تعیین می شود.

شاخص های نکویی برازش مدل در جدول زیر قابل مشاهده است:

**جدول ۲. شاخص های نکویی برازش مدل**

متغیر	rho_A شاخص	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی
طلاق عاطفی والدین	۰/۸۱۸	۰/۸۹	۰/۷۳
بحران هویت	۰/۷۶۹	۰/۸	۰/۵۷۷
تاب آوری هیجانی	۰/۷۲۸	۰/۸۰۱	۰/۵۶۷
سازگاری اجتماعی	۰/۷۸۵	۰/۸۲۳	۰/۶۰۲

نتایج حاکی از برازش خوب مدل دارد.

**ب- تخمین مدل:** پس از بیان مدل مرحله بعد به دست آوردن تخمین پارامترهای آزاد از روی مجموعه ای از داده های مشاهده شده است. روش های تکراری از قبیل بیشینه درست نمایی یا حداقل مجذورات تعمیم یافته جهت تخمین مدل مورد استفاده قرار می گیرد.

روش کار در این رویه های تخمین به این صورت است که در هر تکرار، یک ماتریس کوواریانس ضمنی ساخته می شود و با ماتریس کوواریانس داده های مشاهده شده مقایسه می گردد. مقایسه این دو ماتریس منجر به تولید یک ماتریس باقیمانده می شود

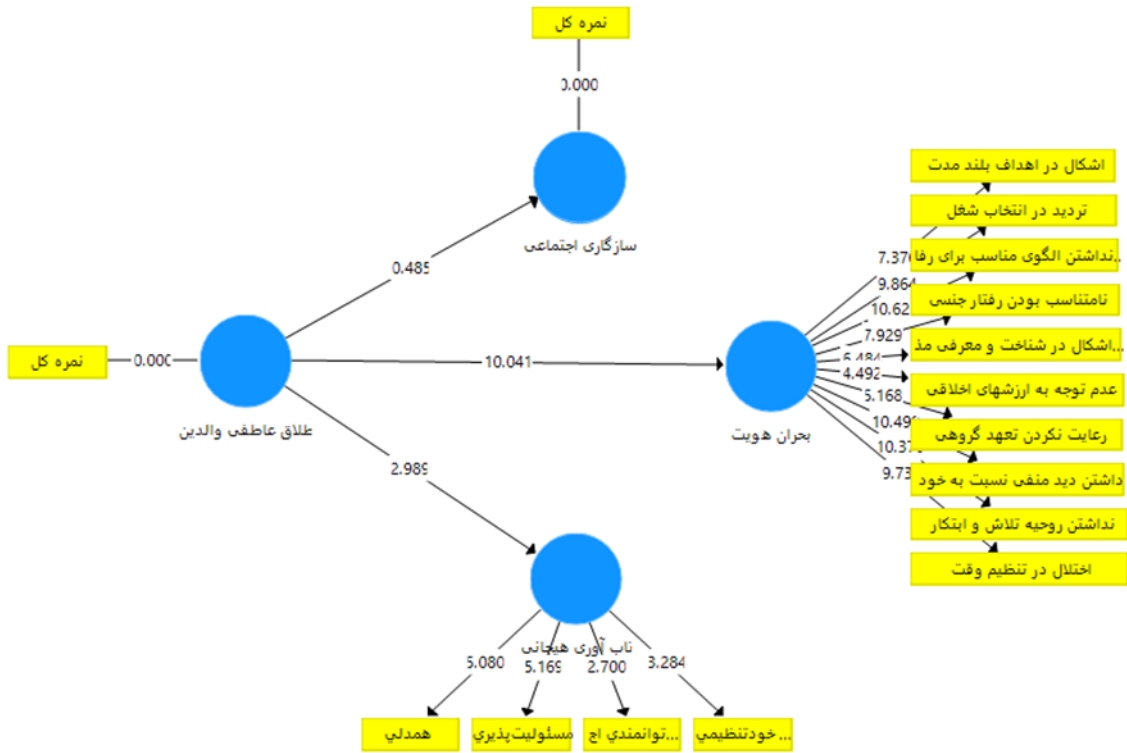
و این تکرارها تا جایی ادامه خواهد یافت که این ماتریس باقیمانده مینیمم (حداقل) شود. محاسبات یا برآورد پارامترها حداکثر با ۲۵۰ تکرار امکان‌پذیر می‌باشد. در صورتی که تعداد تکرارها از ۲۵۰ تا بیشتر شود، محاسبات مربوط به برآورد پارامتر متوقف می‌گردد.

همان‌طور که گفته شد متغیرهای تحقیق در مدل‌سازی معادلات ساختاری به دو دسته پنهان و آشکار تقسیم می‌شوند. متغیرهای آشکار یا مشاهده شده به گونه‌ای مستقیم به وسیله پژوهشگر اندازه‌گیری می‌شود، در حالی که متغیرهای پنهان یا مشاهده نشده به گونه‌ای مستقیم اندازه‌گیری نمی‌شوند، بلکه بر اساس روابط یا همبستگی‌های بین متغیرهای اندازه‌گیری، استنباط می‌شوند. متغیرهای پنهان به نوبه خود به دو نوع متغیرهای درون‌زا یا جریان‌گیرنده و متغیرهای برون‌زا یا جریان‌دهنده تقسیم می‌شوند. هر متغیر در سیستم مدل معادلات ساختاری می‌تواند هم به عنوان یک متغیر درون‌زا و هم یک متغیر برون‌زا در نظر گرفته شود. متغیر درون‌زا متغیری است که از جانب سایر متغیرهای موجود در مدل تأثیر می‌پذیرد. در مقابل متغیر برون‌زا متغیری است که هیچ‌گونه تأثیری از سایر متغیرهای موجود در مدل دریافت نمی‌کند، بلکه خود تأثیر می‌گذارد. ضرایب همبستگی میان متغیرهای تحقیق که در واقع پیش‌فرض اصلی بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری است، در زیر آورده شده است.

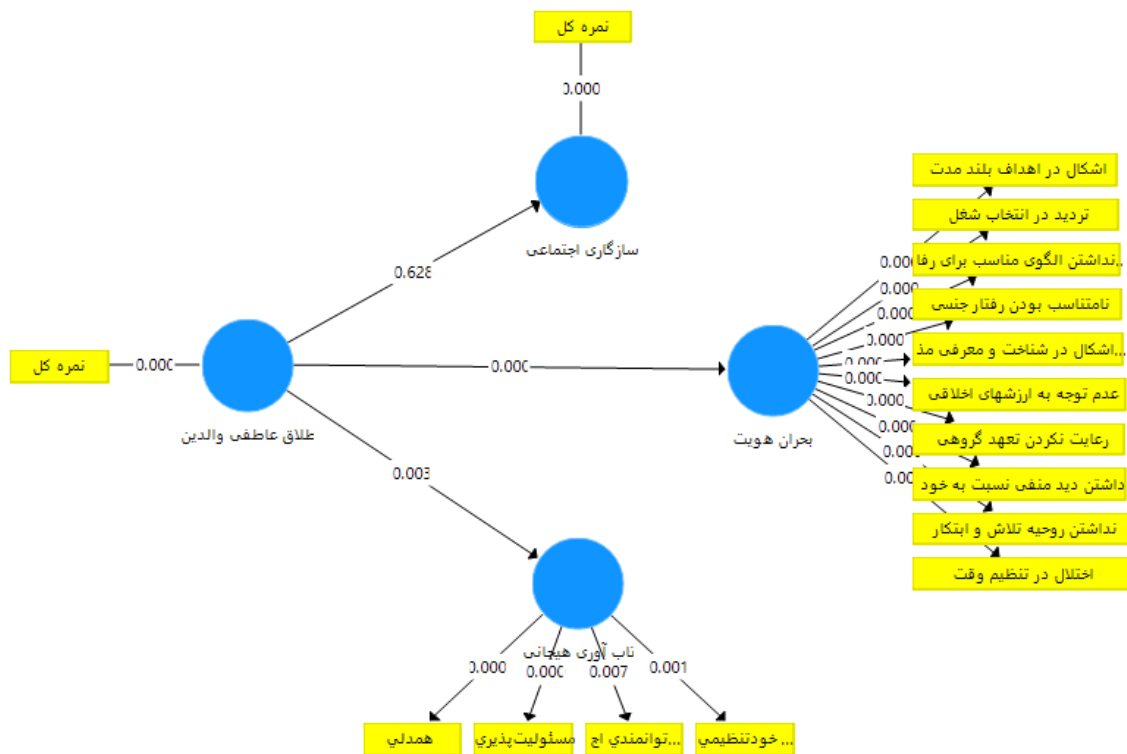
**ت- تخمین مدل تحقیق:** مدل در حالت تخمین ضرایب، ضرایب مسیر هر یک از فرضیات تحقیق و بارهای عاملی هر یک از آیتم‌ها یا سؤالات پرسشنامه را نشان می‌دهد. مدل در حالت معنی‌داری ضرایب یا همان آماره  $t$  نیز، معنی‌داری هر یک از ضرایب مسیر فرضیات را نشان می‌دهد. در واقع، به کمک مدل در حالت تخمین ضرایب مسیر، می‌توان ضرایب مسیر میان متغیرهای پنهان و ضرایب مسیر میان متغیرهای آشکار و پنهان (بارهای عاملی) را به دست آورد. مدل در حالت معنی‌داری نیز مقدار آماره  $t$  مربوط به هر یک از فرضیات را جهت آزمون معنی‌داری هر یک از فرضیات نشان می‌دهد. تفسیر بارهای عاملی در قسمت تحلیل مدل اندازه‌گیری و تفسیر ضرایب مسیر و آماره  $t$  نیز در قسمت آزمون فرضیات تحقیق به‌طور کامل تشریح می‌گردند.

**ث- آزمون و تفسیر فرضیات تحقیق با مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM):** نوع دیگر از روابط بین متغیرهای مکنون در مدل معادلات ساختاری از نوع اثر مستقیم<sup>۱</sup> می‌باشد. اثر مستقیم در واقع یکی از اجزاء سازنده مدل‌های معادلات ساختاری است و رابطه جهت‌داری را میان دو متغیر نشان می‌دهد. این نوع روابط عمدتاً به وسیله آنالیز واریانس یک‌طرفه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این نوع اثر در واقع بیانگر تأثیر خطی علی فرض شده یک متغیر بر متغیر دیگر است. در درون یک مدل هر اثر مستقیم، رابطه‌ای را میان یک متغیر وابسته و متغیر مستقل، مشخص و بیان می‌کند. اگرچه یک متغیر وابسته در یک اثر مستقیم دیگر می‌تواند متغیر مستقل باشد و برعکس.

1 Direct Effect



نمودار ۲. نمودار تحلیل حداقل مربعات جزئی در حالت ضرایب T



نمودار ۳. نمودار تحلیل حداقل مربعات جزئی در حالت ضرایب معناداری (P-Value)

بر طبق نتایج به‌دست‌آمده از آماره t، فرضیات مطابق زیر پاسخ داده می‌شوند: (اگر سطح معناداری هر کدام از فرضیات پایین‌تر از ۰/۰۵ باشد یا آماره t در فاصله بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- باشد نشان از تأیید آن فرضیه در سطح خطای استاندارد ۵ درصد را دارد).

جدول ۳. نتایج آماره t

وضعیت	آماره t	سطح معناداری	فرضیه
قبول	۱۰/۰۴۱	۰/۰۰۰	طلاق عاطفی والدین با بحران هویت نوجوانان رابطه معناداری دارد.
قبول	۲/۹۸۹	۰/۰۰۳	طلاق عاطفی والدین با تاب‌آوری هیجانی نوجوانان رابطه معناداری دارد.
رد	۰/۴۸۵	۰/۶۲۸	طلاق عاطفی والدین با سازگاری اجتماعی نوجوانان رابطه معناداری دارد.

نتایج حاکی از رد شدن فرضیه مبنی بر وجود رابطه بین طلاق عاطفی والدین با سازگاری اجتماعی نوجوانان دارد اما سایر فرضیات در سطح خطای ۵ درصد مورد پذیرش قرار گرفتند.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین «رابطه طلاق عاطفی والدین با بحران هویت، تاب‌آوری هیجانی و سازگاری اجتماعی نوجوانان» در بین فرزندان که روابط زناشویی والدین آنها منجر به طلاق عاطفی شده بود انجام شد. بر اساس یافته‌ها، طلاق عاطفی والدین با بحران هویت نوجوانان رابطه معناداری داشت؛ این نتیجه با نتایج پژوهش‌های کارلا و پتروچیانیس (۲۰۲۰)، والاس (۲۰۱۷)، جعفرزاده و همکاران (۱۴۰۰)، اسکندری و همکاران (۱۳۹۹)، میکائیلی و قوزلوجه (۱۳۹۹)، مددی طائمه و همکاران (۱۳۹۸)، محمدی نیا و نصیری (۱۳۹۸)، کاظمی خوبان و چابکی (۱۳۹۶) همسو بود.

نوجوانی و جوانی یکی از مهمترین مراحل زندگی آدمی محسوب می‌شود و آخرین مرحله تحول شناختی و گذار از مرحله "پیرو دیگران بودن" است: دوره‌ای که نوجوان به هویت واقعی خودش دست می‌یابد. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی‌ترین حالات روانی دوره نوجوانی و جوانی است. نوجوان و جوانی که دوره کودکی را پشت سر گذاشته، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده نماید. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویش است. نوجوانی، دوران شکل‌گیری هویت است. در این دوران، نوجوان می‌کوشد بین "خود درونی" و "دنیا بیرونی خویش تمایز قائل شود. اریکسون این دوران را دوران بحرانی نامیده است. یعنی دورانی که نوجوان به دنبال هویت خود و هدفمند کردن زندگی و احساس مفید بودن است. اگر این دوران به درستی سپری شود و نوجوان در کسب هویتی سالم توفیق یابد، احساس هدفمند بودن زندگی در او ایجاد خواهد شد. چنانچه نتواند هویتی سالم را در خود شکل دهد از احساس تنهایی و از خودبیگانگی رنج خواهد برد و این ناشی از شکست او در تعیین نقش اجتماعی خویش است (کشاورز و میرزایی، ۱۳۹۹).

در خصوص تبیین این فرضیه می‌توان گفت، مرحله نوجوانی به عنوان آسیب‌پذیرترین مرحله رشد در نظر گرفته می‌شود که در آن هویت موضع اصلی است (سوکول، ۲۰۰۹). مکلود (۲۰۰۸) بر رشد روانی-اجتماعی اریکسون درمورد نوجوانان (سن ۱۲ تا ۱۸ سال)، به عنوان انتقال از کودکی به بزرگسالی به عنوان مهمترین مرحله تأکید می‌کند. خانواده به عنوان یک منبع هویت‌سازی و قوی‌ترین نهادی که امر جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها را برعهده داشته، در گذار از تحولات جهانی شدن، ساختار و کارکردهای سنتی خود را از دست داده و به نوعی نابسامانی و ضعف دچار شده است (گل محمدی، ۱۳۸۲). بنابراین با طلاق عاطفی بین زن و شوهر، نوعی بحران هویت پدید می‌آید و زمینه شکل‌گیری هویت‌های سست و شکننده را در خانواده‌های هسته‌ای به وجود می‌آید.

به گفته ایروانی و یوسفی حمیدی (۱۳۹۷)، مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان آنان در برابر ارزش‌ها و قدرت‌ها و دخالت‌های دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن هویت خویش از سایرین است؛ این عملکرد خانواده‌ها می‌باشد که به جوانان شخصیت می‌دهد. چرا که تعیین کننده سرنوشت واقعی هر نوجوانی خانواده او می‌باشند. حال اگر خود والدین مشکل داشته باشند، نمی‌توانند عملکرد خوبی در خانواده از خود بروز دهند و همین امر سبب بحران هویت فرزند می‌شود.

بر اساس یافته‌ها، طلاق عاطفی والدین با تاب‌آوری هیجانی نوجوانان رابطه معناداری داشت؛ این نتیجه با نتایج پژوهش‌های کارلا و پتروچیانیس (۲۰۲۰)، موریس (۲۰۱۲) جعفرزاده و همکاران (۱۴۰۰)، اسکندری و همکاران (۱۳۹۹)، میکائیلی و قوزلوچه (۱۳۹۹)، مددی طائمه و همکاران (۱۳۹۸)، محمدی نیا و نصیری (۱۳۹۸)، همسو بود.

در خصوص تبیین این فرضیه می‌توان گفت، والش (۲۰۱۵) مطرح کرد که تجربیات درون خانواده با تاب‌آوری ارتباط دارد. تاب‌آوری یک فرایند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز علی‌رغم شرایط تهدید کننده تعریف می‌شود در واقع تاب‌آوری سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار (ماستن و همکاران، ۲۰۰۹) و تاب‌آوری هیجانی به طور کلی به عنوان یک فرآیند پویا شامل سازگاری مثبت با خواسته‌های محیطی پس از ناملازمات بزرگ توصیف می‌شود (گراس، ۲۰۰۷).

باید اشاره کرد، اثر کارکرد خانواده بر رفتارها، باورها و احساسات اعضای خود باثبات است. نحوه نگرش‌ها، بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده در سایه کیفیت روابط درون خانواده شکل می‌گیرد که پایه و اساس آن رابطه زن‌وشوهری است. پیش درآمد و سنگ بنای یک خانواده تعالی بخش بر پیوندهای عاطفی و اعتماد متقابل زوجین استوار است که چنین رابطه‌ای آرامش را نه تنها برای زن‌وشوهر، برای کل خانواده به ارمغان می‌آورد.

در ادامه مشخص شد، طلاق عاطفی والدین با سازگاری اجتماعی نوجوانان رابطه معناداری ندارد؛ نتایج بدست آمده با یافته‌های پژوهش ون‌دیجک و همکاران (۲۰۲۰) و مجذوب و منصور (۲۰۱۲) و ملاحی و خسروی (۱۳۹۸)، ناهمسو بود.

در خصوص این نتیجه می‌توان گفت، سازگاری و در رأس آن سازگاری اجتماعی یک مفهوم نسبی است و تحت تأثیر فرهنگ‌ها و اعتقادات جامعه‌ای با جامعه دیگر فرق می‌کند. از طرف دیگر رفتار آدمی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله خانواده، مدرسه، گروه همسالان و سایر عوامل اجتماعی قرار دارد (آدین و موسوی، ۱۳۹۰). ایواتا و همکاران (۲۰۰۰) عوامل موثر در سازگاری اجتماعی را به شش دسته عمده تقسیم می‌کنند: ۱) محرومیت‌های جسمانی ناشی از نقص عضو، تغذیه نادرست و بد، محرومیت از خواب و خستگی روانی، فرایندهای عاطفی آسیب‌زا و آسیب‌های مغزی؛ ۲) عوامل روانی اجتماعی - محیطی نظیر تغییرات سریع و مهم اجتماعی نظیر تغییرات سریع و مهم اجتماعی همچون بیکاری، جنگ، بلایای طبیعی، از هم پاشیدگی کانون خانواده، فقر و اعتیاد؛ ۳) عوامل تربیتی نظیر الگوهای نادرست خانوادگی، فقدان رابطه والد-کودک، طرد کردن فرزندان، حمایت افراطی، محرومیت عاطفی، انتظارات و خواسته‌های غیرواقع‌گرایانه‌ی والدین و کمبود ارتباط؛ ۴) ساختار خانوادگی ناسازگار از جمله خانواده‌های بی کفایت، از هم پاشیده، ضد اجتماعی و آسیب روانی اولیه و عدم ثبات عاطفی و روانی والدین به خصوص مادر؛ ۵) فشارهای ناشی از زندگی جدید صنعتی مانند رقابت‌های ناسالم، تقاضاهای شغلی و تحصیلی و پیچیدگی‌های زندگی جدید؛ ۶) عوامل ژنتیکی و ارثی نظیر اختلالات جسمی، روانی، عاطفی. در تبیین نتیجه پژوهش حاضر شاید سلامت جسمانی نوجوان، ارتباط با همسالان، وضعیت اجتماعی اقتصادی خوب خانواده توانسته جایگزینی برای طلاق عاطفی والدین باشند و از این طریق سازگاری اجتماعی نوجوانان را تضمین کنند.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز داشت از آن جمله می‌توان، روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند را مطرح کرد. محدودیت

دیگر مربوط به ابزار پژوهش بود، پرسشنامه‌ها، ابزارهای خودگزارش هستند که احتمال سوگیری در پاسخدهی را به همراه دارند. محدودیت دیگر پژوهش عدم توجه به متغیرهای دموگرافیک بود.

## ۶- منابع

- آذین، احمد، و موسوی، محمود. (۱۳۹۰). بررسی نقش عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان فریدون‌شهر سال ۱۳۸۸. جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۱، ۱۸۳-۲۰۰.
- اسکندری، زهرا و رفعت‌ماه، کیمیا و فهندژسعدی، پری، (۱۳۹۹). طلاق عاطفی و تاثیر آن در تربیت فرزندان، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران.
- افروز غلامرضا (۱۳۸۹). روانشناسی رابطه‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ایروانی محمدرضا، یوسفی حمیدی سلیمه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و بحران هویت نوجوانان خمینی شهر در سال ۱۳۸۸. "۱۴۱-۱۶۱".
- بهره‌گیر، ندا. (۱۳۹۸). تجربه زیسته زنان از طلاق عاطفی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- پروین، ستار و داودی، محمدی فریبرز. (۲۰۱۲). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۵۶(۱۴)، ۱۱۹-۱۵۴.
- حسینی یزدی، فاطمه و مشهدی، علی. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه مداخله ایی ویژه کودکان طلاق بر خودپنداره و کاهش مشکلات برونی-درونی سازی شده کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- جعفرزاده، دنیا، شریعتمدار، آسیه، قره‌داغی، علی. (۱۴۰۰). توصیف تجربه زیسته فرزندان والدین دچار طلاق عاطفی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰ (۴)، ۱۱۷-۱۴۰.
- خدادادی سنگده، جواد و کلائی، اعظم و گوهری پور، مرتضی (۱۳۹۹). «تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱ (۴۱)، ۲۷-۶۰.
- دهقانی تفتی، زهرا، محمدی، اصغر، و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۶-۹۷ براساس معادلات ساختاری»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۸ (۲۴)، ۹۷-۱۱۵.
- شیخله، خدیجه. (۱۴۰۰). واکاوی مشکلات روانی-تربیتی فرزندان طلاق از منظر والدین، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، سنندج: دانشگاه پیام نور.
- صلایانی، فایزه، اصغری ابراهیم‌آباد، محمد جواد. (۱۳۹۳). مقایسه طلاق عاطفی در افراد درونگرا و برون‌گرا، در: "سومین کنفرانس مددکاری اجتماعی ایران"، گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد.
- صفایی راد، سوری و وارسته فر، افسانه. (۲۰۱۳). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران سال ۱۳۹۰. *پژوهش/اجتماعی*، ۲۰(۶)، ۸۵-۱۰۶.
- غلامرضایی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). معجزه صمیمیت، راز موفقیت انتخاب و رابطه با همسر، تهران: انتشارات نسل نو اندیش.
- کازمی خوبان، زهرا، چابکی، عزیز. (۱۳۹۶). رابطه عملکرد خانواده و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر کرج. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۱، ۲۶-۳۷.

- کشاوری، مصطفی و میرزایی، فاطمه. (۱۳۹۹). بلوغ و بحران هویت در دوران نوجوانی و نقش آن در دوست‌یابی. فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، ۲۲، ۱۳۲-۱۴۲.
- لعل زاده، انسیه، اصغری ابراهیم آباد، حصارسرخ، ربابه. (۲۰۱۵). بررسی نقش طرحواره های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. *روان‌شناسی بالینی*، ۷(۲)، ۱۰۱-۱۰۸.
- محمدی نیا، ندا؛ نصیری، مژگان. (۱۳۹۸). «شیوع طلاق عاطفی دانشجویان و رابطه آن با ویژگی های شخصیتی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، اصفهان، دانشگاه جامع علمی کاربردی - سازمان همیاری شهرداری ها و مرکز توسعه خلاقیت و نوآوری علوم نوین.
- مددی طائمه، زهرا و آقاجانی، طهمورث و صلاحیان، افشین. (۱۳۹۸). مقایسه سلامت عمومی و اختلال خوردن در فرزندان دختر خانواده های طلاق رسمی، طلاق عاطفی و هم‌تایان عادی، مجله مدیریت ارتقای سلامت، دوره: ۹، شماره: ۲، ۱۰-۱.
- ملاحی، خاتون و خسروی، صدرالله. (۲۰۱۹). بهزیستی روانی در گونه های مختلف خانواده براساس مدل بافت نگر فرآیند و محتوای خانواده. *فصلنامه علمی روشها و مدلهای روانشناختی*، ۱۰(۳۵)، ۱۳۷-۱۵۷.
- میکائیلی، نیلوفر و جباری قوزلوجه، علی. (۱۳۹۹). رابطه طلاق عاطفی با هوش هیجانی و سلامت روان فرزندان، اولین همایش ملی روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، اردبیل، ۱۰-۱.
- De Jong Gierveld, J., Broese Van Groenou, M., Hoogendoorn, A. W., & Smit, J. H. (2009). Quality Of Marriages In Later Life And Emotional And Social Loneliness. *Journals Of Gerontology Series B: Psychological Sciences And Social Sciences*, 64(4), 497-506.
- Gross, J. J. (2007). *Handbook of emotion regulation*. New York, NY: Guilford Press.
- Gool Mohammadi, A. (1382). *Globalization of culture and identity*, Tehran: Nei Publishing.
- Iwata, J. N., Noboru, K., Higuchi, M., And Hiana, R. J. (2000). Response of Japanese and American Students to The Anxiety and Social Skills Question Air. *Journal of Personality Assessment*, 74(1), 48- 62.
- Masarik, A. S., & Conger, R. D. (2017). Stress and child development: A review of the Family Stress 13, 85-90 Model. *Current opinion in psychology*
- Masten, A. S., Cutuli, J. J., Herbers, J. E., & Reed, M. G. (2009). 12 Resilience in Development. *The Oxford handbook of positive psychology*, 117.
- McLeod, S. 2008. Social Identity Theory. Available: <http://www.simplypsychology.org/social-identity-theory.html>. [Accessed 10 October 2018].
- Roper, S. W., Fife, S. T., & Seedall, R. B. (2020). The intergenerational effects of parental divorce on young adult relationships, *Journal of Divorce & Remarriage*, 61 (4), 249-266.
- Silveira, G. (2016). Challenging the centralist doctrine in Mexican family law: an analysis of the evolution of state authority over civil law matters and its impact on the regulation of cohabitation and divorce, *Mexican Law Review*, 9 (1), 45-79.
- Sokol, L. (2009). Identity development throughout the lifetime: An examination of Eriksonian Theory. *Graduate Journal of Counselling Psychology*, 1(2):1-11.
- Stokkebekk, J. (2019). Keeping balance, keeping distance and keeping on with life: child positions in divorced families with prolonged conflicts, *Children and Youth Services Review*, 102 (1), 108-119.
- van Dijk, R., van der Volk, I. E., Deković, M., Branje, S. (2020). A meta-analysis on interparental conflict, parenting, and child adjustment in divorced families: Examining mediation using meta-analytic structural equation models. Volume 79, 101861.
- Wallace, B. M. (2017). *The Impact of Family Function on Identity Formation During Emerging Adulthood*. For The Degree of Master of Arts. A Thesis Submitted to The Graduate Faculty of Wake Forest University Graduate School of Arts and Sciences.
- Walsh F. (2015). *Strengthening family resilience*. Guilford publications.

Yaghoubi, G., Homayoni, A. R., Yarahmadi, Y., & Moradi, O. (2019). Structural Modeling Relations of Temperament and Character Mediated by Social Network Dependence with the Amount of Emotional Divorce of Women Referred to Counseling Centers in Babol. *Sociological Studies of Youth*, 10(35), 107-124